

سلطان علی شهیدی

آثار سلطان علی

سلطان علی از همان آوان جوانی بخوشی خط شهرت یافته و لا اقل فریب هشتاد سال عمر او بکتابت گذشت و بهمین علت آثار بسیار از قلم کهر بار او بیادگار مانده است در سن شصت و سه بقول خودش قلمش هنوز جوان بوده از خفی و جلی میتوانست آثاری بمنصه ظهور بگذارد بنده در اثر فحص و کاوشی که از سالیان دراز در آثار شعرا و خطاطان و هنروران دارم تقریباً شصت کتاب متنوع از سنین مختلف عمر او را بنام ایشان در کتابخانه های عمومی و شخصی هندو پاکستان و ایران و ناسنگند و ثمر قند و کتبا بخانه های هرات و کابل و مزار و فهارس مطبوع کتابخانه های فرانکستان و ترکیه و مصر و عراق و غیره دیده و یادداشت کرده ام که بخط شیعی خود رقم کرده این کتب و سفائن غیر از قطعات و مرقعات است که به تعداد کثیر و فراوان در همه جا دیده می شود علاوه بر کتب و مرقعاتی که بقلم سلطان علی نوشته شده قسمتی از کتیبه های باغ معروفی را که سلطان حسین میرزا در هرات بنام باغ جهان آرا یا باغ ... با قصر های زیبای منقش و پرئسکار ساخته بود سلطان علی نوشته بوده است و صفحات نسخه ترکی مجالس النفاوس امیر علی شیر که در خانه ادب برای سنگ مرمر حک شده بود همه را سلطان علی بکتابت آورده بود و همچنین کتیبه های بناهای خیریه و مساجد هرات و سنگ مزار سلطان حسین میرزای بایقرا و اکثر شهزادگان نیمجوری و امیر زادگان جغتائی در هرات بقلم او بوده است (۱) فعلا در هرات از کتیبه های که بقلم سلطان علی موجود است کتیبه قبر سلطان حسین میرزای بایقرا و غیاث الدین منصور میرزا ابن عمر

(۱) پیدایش خط و خطاطان و مجله یادگار شماره ۷ سال ۳

شیخ میرزا ابن تیمور منوفای ۸۴۹ هـ بشرح زیر است: «در گازر گاه نزدیک روضه حضرت خواجۀ انصار بیرهرات قدس سره نختی است که از سنگ مرمر و سنگ سیاه ساخته شده تخت مذکور مربع و اطراف آن از سنگ سیاه بطور خانم کاری بالای سنگ سفید قرار داده اند باوجود مرور زمان جای وصل سنگ های سفید و سیاه هیچ معلوم نمی شود بر روی این تخت چند صندوق سنگ های قبور است که یکی از آنها مقبره غیاث الدین منصور پدر سلطان حسین میرزای بایقرا است سلطان علی مشهدی تاریخ تخت مذکور را کتیبه بسیار شیوا نوشته و بر جنب شمالی تخت مذکور نصب است تاریخ بنای تخت ۸۸۰ و این بیت در پایان کتیبه مرقوم است .

چون بهشت مرقد منصور سلطان رخ نمود

این عمارت را بوجه بس نسکو تاریخ بود

حرره العبد سلطان علی مشهدی

سلطان علی غیر از هنر مندی و شهرنی که در خط نستعلیق داشت او را زبده الکتب و قبلة الکتب و سلطان الخطاطین میگفتند از فوق لطیف نیز بی بهره نبوده قطعات و اشعاری از او در مجموعه ها و سفائن بیادگار مانده علاوه بر قطعاتی که از اشعار سلطان علی در تذکره ها باقیست منظومه دا رد در حدود ۱۵۰ بیت در باب خط و آداب مشق و تشبیه اسباب و لوازم این کار از انتخاب و تراش قلم و ساختن مرکب و مهیا ساختن کاغذ و بیان حسن و قبح خط و وصف قلم و رنگ را اهار کردن کاغذ و مهره زدن آن و غیره ازین منظومه نسخه های متعدد باقیست و یک قسمت از آن را صاحب مجالس المؤمنین در شرح حال سلطان علی و میر علی هروی نقل نموده است (۱) تاریخ اتمام این منظومه محرم سال ۹۲۰ هجری است .

مرا عمر نشت و سه بیش است و کم هنوزم جوان است مشکین رقم

توانم هنوز از خفنی و جللی نویسم که العبد سلطان علی

این مطلع هم ازوست :

گل در بهار ازان رخ کملگون نمو نه ایست

چون اشک من که از دل پر خون نمونه ایست

ازین شکسته هر انکس کند توقع مشق

سه چیز خواهم از تو گر چه هست بس دشوار

اول مداد که اندر سیاهی و جر بیان

بود چون بخت من و آب دیده خوئبار

دوم قلم که چو مژگان من نباشد سست

سوم خطی چو خط عنبرین نازنه نگار (۲)

در خاتمه مقال عین فرمانی را که سلطان حسین بایقرا بنام سلطان علی نوشته و در جنگ خطی دوست فاضل دانشمند من جناب آقای عباس اقبال آشتیانی استاد دانشگاه طهران مرقوم است و در شماره ۷ سال دویاد کار ازان جنگ که بقول خود شان بسیار مغلوط بوده اقتباس کرده اند مادرینجا ازان مجله استنساخ مینمائیم .

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«قبلة النکتاب مولانا نظام الدین سلطان علی بدانند که عنایت و تربیت مرئی رای عقده کشای که در باره او بوقوع پیوسته اظهار من الشمس است و حسن عقیده همایون در باب هنر وری او ابین من الامس و پیوسته صحیفه آمال او مرقوم کملک عاطفت ساخته رقم نسخ برخط استادان سابق کشیده ایم و او را در این فن از همه برتر دیده در این فرصت از دو او این خاصه که نگاشته کملک بدایع نکار اوست سهو و غلط بسیار در نظر می آید و حک و اصلاح در خطی چنان دلفریب مقدور کسی نمی نماید چه گفته اند: زشت باشد جامه نیمی اطلس و نیمی بلاس ' و با وجود آنکه او را در کتاب اشعار ترکی و قوفی تمام حاصل است و در طریق نظم و نثر شعوری کامل این حالت بغایت غریبست و مقرر است که در نهایت معنی و تر کیب لفظیک

بیت بلکه يك مسراع ناظم را نهایت کوشش می باید و هر تنقیح يك مضمون عرصه مشیت تمام می باید پیمود و هر گاه از تصرف کتاب با سهو قلم خلل بقواعد و ارکان او راه یابد موجب توزع ضمیر خواهد گشت و نقصان این بر ضمیر قائل گران خواهد بود ' سخنی مهشور است که یکی از اعظام ارباب نظم در اثنای گلگشت برخشت مالی عبور فرمود که اشعار او را ناموزون ساخته میخواند و بر آن بشاشت خاطر وافر می نمود چون آن صاحب کمال دید که تر کیب الفاظ را نه با اندازه معنی میریزد فی الحال قدم انتقام برخشتمها که مالیه بود زره با خاک برابر ساخت و او را در غضب آورد و هر معرض اعتراض انداخت خشت مال از روی خشونت و زجر با اعتراض گفت چو ارنج مراضیع میسازی و خود را در ورطه حیف و جور می اندازی فرمود که هیئات کوهری را که من بعد خون جگر بکف آورده در سلك نظم کشیده ام بسک جفا خرید میکنی و باک نداری و خشت چندم که مالیده شده عرصه شنعت میسازی لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پرتوان زد

غرض از این مقدمات آنکه چون توجه خاطر ناظم را بجایب زاده طبع و نتیجه فکر طبیعی و جبلی است کتاب وراقم را در باب صحت و صواب آن در اجب و لازم و متحتم می نماید که من بعد بواجبی ملاحظه نموده سمی نماید که بدفعات مرقومات خامه غرایب نکارش از آسیب خطا و خلل مضمون مانده و صفحات کتاب نوادر آثارش از حاجت حاک و اصلاح محفوظ و مأمون باشد و هر چه نویسد بمقابله آن کما ینبغی نخراسم سمی بتقدیم رساند که تلافی ماسبق نواند شد . . . انتها

سرور گویا اعتمادی